

نظام مالیاتی و بودجه در اسلام

تلخیص و تنظیم : جهانگیر رضائی

مقدمه
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لزوم مالیات و دیگر درآمدهای شبیه مالیات

هر مکتبی که برای اداره اجتماعات بشری دارای قانون و برنامه باشد به ناچار برای رسیدن به اهداف ترسیم شده خود احتیاج به مقداری درآمد مالی دارد تا هزینه های خود را از این راه تامین نماید . مکتب فراگیر و گسترده اسلام که تمام جوانب حیات بشری را مورد توجه قرار داده است نیز برای تامین مالی پاره ای اهداف ، درآمدهائی را به صور گوناگون منظور نموده است تا به وسیله اینگونه درآمدها احتیاجات متفاوت مالی بر طرف شود و جامعه در بهترین صورت کامل خود به پیش رود . اهدافی که تحقق آن مورد نظر مکتب اسلام می باشد و دارای هزینه است در مقایسه با سایر مکاتب بسیار وسیع تر و شامل تر می باشد . در نظامهای بشری بیشترین بودجه ای که سابقه داشته است و می بایست به طریق تامینی شود هزینه دستگاه حکومت و کارگزاران آن بوده است در حالی که بیش از پادشاهی و حکومت جامعه وظیفه عمده دیگری به عهده نداشته اند و به طوری که گاه به

* این مقاله خلاصه ای است از کتاب " مقدمه ای بر نظام مالیاتی و بودجه در اسلام " نوشته س . م . ر . مدرسی از انتشارات هجرت

چاپ اول ، بهار ۱۳۶۳

انجام موردگیری نیز می پرداخته اند. تنهایس از انقلاب صنعتی و در گون شدن کیفیت مجتمعات بشری و نظامهای حاکم بر آن بود که وظایف دولتها نیز توسعه و گسترش یافت و با هزینه های جدید تقاضای درآمدهای اضافی به وجود آمد و در نهایت نظام مالیاتی و بودجه به شکل امروز آن مبدل شد.

اختلاف اساسی بین نظام مالیاتی اسلام و دیگر نظامها:

نظام مالیاتی و بودجه در اسلام از اساس بار و شهادت نظامهای دیگر متفاوت است و برای خود ساختمان و دستگاه مختصی دارد، منابع و مصارف، روش پرداخت و دریافت، خاصیت جایگزینی، ضوابط جعل مالیات جدید و ... تابع احکام و قوانینی می باشد که در هیچیک از نظامهای مالیاتی سابقه ندارد.

در اسلام هر منبع درآمدی، مورد مصرف آن بطور دقیق تعیین شده و این چنین نیست که همه درآمدها به یک خزانه سرانبرگشته و در هنگام احتیاج، هزینه مورد نیاز برداشت شود، درآمدهایی همچون زکات، خمس، جزیه، و ... هر یک برای خود دارای ضوابط و موارد مصرف ویژه ای می باشد. هر چند مصارف این درآمدها بطور مطلق بسته نیست و می توان از هر یک در موارد دیگری احیاناً استفاده نمود، اما باید بر اساس روشها و ضوابط ویژه ای باشد که بدون طی مسیر خاص خودش میسر نیست، همه درآمدها در نهایت به نوعی می تواند در اختیار دولت قرار گیرد تا ولایت و تنظیم آن به عهده او باشد اما این بدان معنی نیست که دولت بطور مطلق مجاز است هر گونه تصرفی در آنها بنماید.

در این نوشتار ماضی بحثهای آینده توضیح خواهیم داد که چگونه دولت می تواند از هر یک از مالیاتها به جای دیگری استفاده کند.

در اینجا قبل از ورود در بحث ذکر دو نکته لازم است :

الف : آنچه که بعنوان درآمد برای تحقق برخی اهداف اجتماعی و اقتصادی در مکتب اسلام وجود دارد لزوماً منبع تأمین آن مالیات نیست بلکه درآمدهای غیرمالیاتی نیز فرض می شود که هر یک جداگانه بطور تفصیل بیان خواهد شد .

ب : در یک تقسیم کلی می توان موارد درآمدها را اینگونه بیان کرد :

۱- درآمدهایی که ملك امام و مختص به ولی امر مسلمین می باشد تا هرگونه که صلاح بداند به مصرف برساند .

۲- درآمدهایی که اختصاص به گروههای اجتهاد خاصی دارد مانند : فقرا، قرض داران، ...

۳- درآمدهایی که ملك همه مسلمین می باشد و باید به نفع عموم از آن بهره برداری شود .

بطور معمول وقتی اموال بیت المال گفته می شود مقصود از آن همین درآمدهایی است که باید به نفع عموم مسلمین از آن بهره برداری شود و منابع آن خراج، جزیه، سهم سبیل الله از رکات، مسکرات و تبرعات عامه می باشد. بنابراین خمس، رکات غیر سهم سبیل الله، انفال، و درآمدهای کسی دولت از اموال بیت المال مسلمین نیست و احکام این درآمدها غیر از احکام بیت المال می باشد .

مادر اینجا ابتدا درآمدهای مالیاتی را مطرح نموده و سپس به درآمدهای غیرمالیاتی می پردازیم .

البته برای کسانی که آشنایی کمتری با مسائل مالی اسلام دارند لازم است برای فهم بهتر مطالب، ابتدا مسائل رکات و خمس را حداقل در رسانه های عملیه به دقت مطالعه کنند .

طبقه بندی مالیاتهای اسلامی

مالیاتهای مستقل و تابعی

پرداختهای مالی که بطور الزام از نظر اسلامی وجود دارد به دو بخش مستقل و تابعی تقسیم می شود.

اینک به توضیح هر یک از این دو عنوان می پردازیم.

مقصود از مالیاتهای مستقل آنهایی است که نسبت یا مقدار یا مورد وضع آن یا ترکیبی از اینها به نوعی مستقما" از طرف شارع مشخص و معین گردیده است. مثل خمس که نسبت و مورد آن و رکات که مقدار یا نسبت و موردش و خراج و جزیه که تنها موارد هر یک مستقما" از جانب شارع مشخص گردیده است البته هر یک از اینها نیز برای خود خصوصیات دارد که در جای خود باید ملاحظه شود.

باید توجه نمود غیر از مالیاتهای الزامی دیگری هم وجود دارد که نمی توان نام مالیات بر آن نهاد و در اینجا مورد نظر نمی باشد. مانند: کفارات و آنچه به واسطه نذر و قسم پرداخت آن واجب می شود.

و اما مالیاتهای تابعی مقصود آن سلسله از مالیاتهایی می باشد که حاکم اسلامی می تواند در تحت شرایط مخصوصی وضع نماید و مورد یا مقدار و یا نسبت خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است فقط تابع هزینه های ضروری دولت و امثال آن می باشد و بدینجهت ما آنرا مالیاتهای تابعی نامیدیم و خصوصیات و شرایط آن در بحثهای آینده خواهد آمد.

مالیاتهای مستقل را نیز به نوبه خود از چند جهت می توان طبقه بندی نمود و ما اینجا پیرامون آنها توضیح مختصری خواهیم داد.

تکامل تدریجی نظام مالیاتی

اما قبل از بیان این طبقه بندیها لازم است تذکر داده شود که بشرقنا بعد از تجربه های طولانی و طی ادوار مختلف تاریخی موفق به کشف انواع مالیاتهای پیشرفته شده است و تکاملی که در این زمینه نصیب اقتصاد گشته تدریجی و در تعقیب آزمونهای مکرر اجتماعی و درآمدت بوده است، هر چند با وجود گذشتن سالهای متمادی هنوز بشرسیستم مالیاتی مطلوب رابدست نیاورده است.

در دورانهای قبل کم و بیش انواع مالیاتها وجود داشته، اما رایج ترین قسم آن مالیات محصول اراضی و مالیات سرانه بوده است و نیز احیانا " مالیاتهای دیگری نظیر مالیات بر ارث و یادگره مالیاتهای غیر مستقیم چیزی شبیه عوارض گمرکی که بازرگانان به پادشاهان می پرداختند، اما مالیاتهای پیشرفته که با تکامل تدریجی تمدن بشری پدید آمده است همچون مالیات بر درآمد خالص، ابتدا آن را نزدیک قرن ۱۹ میلادی می دانند که پیت نخست وزیر انگلیس در زمان جنگهای ناپلئون آن را پیشنهاد نمود و مجلس انگلیس آن را تصویب کرد. با وجود این، انتشار و عمومی شدن این مالیات مربوط به قرن بیستم است زیرا نهاد در این دوران بود که دولتها متوجه شدند بر اثر انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنیک و بالا رفتن مبادلات بازرگانی و استخراج معادن بیشترین سهم درآمد ملی بدین سو متمایل شده است و درآمدی که از ناحیه کشاورزی و محصولات زراعی بدست می آید نسبت ناچیزی را در درآمد ملی حائز می باشد، از آن طرف نیز پیچیده تر شدن جامعه و بالا رفتن توقعات مردم و نیاز به تشکیلات وسیع برای تنظیم اجتماع، دولتها را مجبور کرد تا مالیاتهای جدید ابداع شده را برای تامین هزینه ها و انجام اغراض اقتصادی خود

بطور فعال بکار گیرند.

برتری نظام مالیاتی اسلام

اما اسلام عزیز در چهارده قرن قبل از این پیشرفته ترین دستگاه مالیاتی را ارائه نمود که تمام معیارهای صحیحی که برای تعیین مالیات گفته شده، حائز است و از نقایص دستگاههای مالیاتی بشری مبرا می باشد و بلکه انواعی از مالیات ارائه داده است که تا آنجا که من تتبع کرده ام در پیشرفته ترین سیستمهای مالیاتی جهان نظیر آن وجود ندارد همچون خمس ارباح مکاسب که نظیر مالیات بر درآمد خالص است اما با این تفاوت که مقصود از درآمد خالص در سیستمهای مالیاتی جهان درآمد فرد با کاستن هزینه های تحصیلی درآمد می باشد اما در خمس ارباح مکاسب علاوه بر کسر هزینه های تحصیلی درآمد هزینه خود شخص و افراد تحت تکفل او نیز از درآمد کسر شده و از بقیه خمس (مالیات) کسر شده می شود، که در واقع می توان گفت مالیات بر اضافه درآمد است.

انشا الله تفصیل بیشتر آن در بخش مربوط به خمس می آید.

طبقه بندی مالیاتهای مستقل اسلامی

اکنون برگردیم به اصل مطلب و طبقه بندیهای مختلف که برای مالیاتهای مستقل متصور است.

۱- بعضی از مالیاتها لزوماً عبادی است و باید به قصد قربت پرداخت شود همچون زکات و خمس و بعضی قصد قربت در آن لازم نمی باشد مثل خراج و جزیه.

۲- آن چنانکه قبلاً اشاره شد گروهی از مالیاتها مانند خراج

وجزیه به بیت المال مسلمین واریزمی شود و گروهی از مالیاتها به بیت المال امام و گروه سوم به هیچکدام و مصارفی مخصوص به خود دارد همچون زکات در اکثر مصارف آن .

ک- تقسیم بندی دیگر از مالیاتهای اسلامی بدین قرار است :

الف - مالیات بردرآمد مخصوص

مثل زکات غلات (گندم، جو، خرما، کشمش) زیرا در این چهار کالا تنفاهزینه برداشت کسرمی شود و در صورتی که به حد نصاب باشد لازم است زکات آن پرداخت شود و به هیچ وجه هزینه شخص مالک از آن کاسته نمی گردد و از طرف دیگر تنفاهموقعی زکات بر انسان واجب است که رشد و به ثمر رسیدن این غلات در ملک فرد باشد و به تعبیر صحیح تر قبل از وقت زکات باید این اشیا به ملکیت زکات دهنده درآمده باشد و گرنه بعد از رسیدن و کامل شدن این غلات اگر به معامله ای به ملک فرد درآید زکات آن بر خریدار واجب نیست پس می توان زکات بر غلات را، زکات بردرآمد مخصوص دانست .

خمس معادن، کنز، غوص و غنمیت نیز این چنین است .

ب - مالیات بردارائی خاص

همچون زکات انعام (شتر، گاو، گوسفند) زیرا در صورتی که انسان مالک حد معینی از این سه نوع حیوان بشود با شرایط دیگر آن باید زکات آن را بپردازد و مادام که چنین مالکیتی با نصاب معین در طول سالهای متعدد باقی می باشد هر سال باید زکات آن نصاب مخصوص را پرداخت به خلاف زکات بر غلات (مالیات بردرآمد مخصوص) که گرچه سالها بماند بیش از یک دفعه چیزی بعنوان زکات از آن

گرفته نمی شود. زکات نقدین (پول طلا و نقره) نیز از قسم مالیات بر سر دارائی خاص می باشد.

ج - مالیات بر اضافه درآمد

همچون خمس سود شغل‌های مختلف که انسان باید بعد از کسر هزینه معقول و مطابق احتیاجات و شئونات خود خمس تمامی درآمدهایش را بپردازد.

د - مالیات بر اراضی خاص

مثل خراج که در حقیقت چیزی مشابه اجاره بهاست که از زمین‌های مفتوح العنوه که ملك تمام مسلمان (ملك عموم) می باشد از جانب ولی شرعی گرفته می شود. مالیات بر اراضی کشاورزی نیز از این نوع است.

ه - مالیات بر استفاده از منابع طبیعی

همچون خمس معادن و غوص و نیز زکات دام‌های سه گانه (شتر، گاو، گوسفند) زیرا آنها در صورتی زکات انعام واجب است که سائمه باشند یعنی از مراتع طبیعی تغذیه کنند. البته چنانکه گذشت این سه متعلق زکات هر يك به اعتبار دیگری در یکی دیگر از تقسیمات وارد می شوند و این منافات با تقسیم بندی‌های مختلف ندارد و اصولاً "می توان هر يك از این انواع مالیات‌ها را تحت عناوین مختلفی تقسیم بندی کرد.

و - مالیات سرانه

مانند زکات فطره که چیزی شبیه مالیات سرانه است البته با حذف نواقصی که در مالیات‌های سرانه وجود دارد از جمله عدم رعایت

قدرت توانائی پرداخت و نهز مثل جزیه که حاکم اسلامی می تواند بر رؤس کفاری که در ذمه اسلام رندگی می کنند با حفظ تمام شرایط مالیات متناسبی وضع نماید.

۴- تقسیم بندی دیگری نهز با توجه به میزان و نرخ مالیات می توان انجام داد.

الف - مالیات ثابت

همچون ركات فطره که هر شخص واجد شرایط باید به میزان مشخصی مالیات ارجانب خود و افراد تحت تکفلش بپردازد و نهز در بعضی موارد جزیه و خراج.

ب - مالیات تناسبی

مقصود از مالیات تناسبی، مالیاتهایی است که بر اساس نسبت معینی باید پرداخت شود و زیاد یا کم شدن متعلق مالیات مادام که موضوع مالیات باشد اثری در بالا و پائین رفتن نسبت ندارد مثل خمس که درآمد هر مقدار باشد باید يك پنجم آن بعنوان مالیات پرداخت گردد و نهز مقدار ركات غلات که در آبی يك بیستم و در دیم يك دهم می باشد

ج - مالیات تنازلی

این نوع مالیات برخلاف نوع تناسبی آن بانرخ معینی مالیات گرفته نمی شود بلکه نسبت مالیات رابطه ای معکوس باتغییر منبع مالیات دارد. بدین معنی که تامحدوده ای معین اگر منبع مالیات افزایش یافت مقدار مالیات آن به نسبت خاص یابدون نسبت به مقدار ثابتی تنزل می کند مانند ركات انعام بلکه که ظاهر است

در همه نصابها تا وقتی که به نصاب آخر نرسیده که دارای نرخ ثابت می شود نرخها رو به تنزل است مثلا "ذکات نصاب اول کوسفند یک - چهارم و دوم $\frac{2}{3}$ که تقریبا" $\frac{1}{60}$ و سوم $\frac{2}{20}$ که تقریبا" $\frac{1}{67}$ و چهارم $\frac{4}{101}$ که تقریبا" $\frac{1}{121}$ و پنجم که مقدار آن چهار صد بیست و یک است $\frac{1}{100}$ است و دیگر نرخ برای همیشه ثابت می باشد و برای هر صد کوسفند باید یک کوسفند بعنوان ذکات پرداخت.

و اما مالیاتهای تصاعدی که دقیقا" در جهت عکس مالیات تنازلی است و نرخ مالیات به موارد بالا رفتن درآمد زیاد می شود چون برای کنترل درآمدهای کلان و سرسام آور وضع شده که در جوامع سرمایه - داری بر اثر تبعیضات و اختلافات ظالمانه بوجود می آید جنائی برای آن در احکام ثابت اقتصادی نمی باشد چون در اساس ریشه اینگونه تبعیضات ظالمانه خشکانده شده است بلی اگر در مواردی ولی امر ضروری ببیند می تواند چنین مالیاتی را نیز وضع نماید. تقسیمات متنوع دیگری نیز می توان برای مالیاتهای اسلامی تصور نمود که بیان آنها چندان لازم نمی باشد.

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ذکات

اهمیت ذکات

اسلام برای ذکات اهمیت شایانی قائل شده است و در آیات و روایات بسیار زیادی از آن سخن به میان آمده و معطی آن تشویق و مانع توبیخ و تخویف اعداب الهی شده است. وجوب آن از ضروریات دین می باشد تا بدان حد که اگر کسی با توجه، آن را انکار کند

حکم به کفر او می شود زیرا آنقدر روشن و واضح است که زکات
جز فرایض اسلامی می باشد که کسی نمی تواند باحفظ اعتقاد به
رسول اکرم (ص) آن را منکر شود.

زکات در ادیان سابق

به هر حال اصل زکات چون امری مطابق فطرت است در ادیان
سابقه نیز به نوعی وجود داشته است چنانکه در سوره بقره آیه ۸۴
آمده است: " هنگامی که پیمان گرفتیم از بنی اسرائیل که عبادت
نکنید مگر خدا را و به پدر و مادر احسان کنید و (نیز) نزدیکان و ایتام
و یتیمان و به مردم گفتار نیک بگوئید و نماز را به پا دارید و زکات را
ادا کنید سپس روی گردانیدید مگر کسی از شما و شما اعراض کنیدگان
می باشید."

فلسفه تشریح زکات

آن چنانکه در روایات صریحا "یا ضمننا" می توانیم بدست آوریم
علل تشریح زکات بدین قرار است:

(۱) تأمین مالی درماندگان
(۲) تحصیل اموال - یعنی زکات، اموال را ارضای شدن و کاستی
گرفتن حفظ می کند و گویا با پرداخت زکات، اموال بیمه ای
خدایی می شود.

(۳) توفیر اموال - علاوه بر حفظ، زکات موجب ریهادی مال می شود.
که این خود یک جنبه مادی و یک جنبه معنوی دارد، علت مادی
نیز بنوبه خود منقسم به عاملهای اجتماعی، روانی و اقتصادی
می شود. عملکرد دو عامل روانی و اجتماعی را می توان

ار آنچه در تحمین اموال وجود دارد حدس زد. اما عامل اقتصادی را از جنبه های گوناگون می توان مورد بررسی قرار داد که یکی از آن بالا رفتن تقاضای اثرات انفاقات مردم می باشد زیرا بار شد اقتصاد اگر تقاضای کافی برای کالاهای تولید شده وجود نداشته باشد لامحاله حالت رکود و بی تحرکی دامنگیر اقتصاد می شود به خلاف آنجا که به نسبت تولید تقاضا موجود باشد که در این هنگام پویایی اقتصاد تضمین شده و با تقاضای بیشتر اسباب اشتغال فراهم خواهد شد.

۴) وسیله ای برای به جریان انداختن پول و کالا و بالابردن حجم مبادلات - ارجیلهایی که زکات بدان متعلق می گیرد طلا و نقره ای است که به عنوان پول از آن استفاده می شود. امامی بینیم تنها شرایط خاصی زکات بر آن واجب می گردد و آن در صورتی است که به حداقل نصاب (بیشتر دینار و رومیا دو بیست درهم) رسیده و یک سال تمام را کد در کناری بماند و به تعبیر دیگر کنز شود. اما اگر چندین برابر نصاب اول باشد ولی از وظیفه اصلی خود که وسیله مبادله است خارج نشود و در کناری کنز نگردد زکات واجب بدان تعلق نمی گیرد. همچنین یکی از شرایط وجوب زکات در انعام ثلثه (شتر، گاو و کوسفند) گردش یکسال بابقای انها می باشد.

۵) برای تطهیر و تربیت که برای سایر واجبات مالی نیز می باشد.

۶) درآمدی برای دولت مسلمین

۷) و خلاصه هر کار خیر و هر چیزی که در راه خدا باشد.

منابع زکات

نقل است از ابی عبدالله علیه السلام: " حضرت رسول (ص) زکات را بر نه چیز وضع نمود و از غیر آنها عفو نمود. (وضع نمود) بر طلا، نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و کوسفند . "

تفسیر نقدین

یکی از مسائل مهمی که در منعلقات زکات مطرح می شود سخنی است که درباره نقدین ممکن است گفته شود. بطور کلی در قرآن و روایات هر جا سخن از زکات پول به میان آمده با تغییری طلا و نقره و یا درهم و دینار که اسم برای پول طلا و نقره بوده است می باشد و یا احیاناً " المال الصامت بکار رفته که ان نیز اسم برای درهم و دینار است. چنانکه نقدین که در کلمات فقها به کار می رود نیز به همین معنی می باشد.

نکته مهمی که در تعبیر ذهب و فضه در سوره بقره و وجود دارد این است که آیا انتخاب این ده کلمه به دلیل رایج بودن چنین پولی در آن زمان بوده است و یا اساساً چون پولی غیر از طلا و نقره مسکوک وجود نداشته است با اینکه موضوع حکم فقط پولی است که از جنس طلا و نقره می باشد. بنابراین احتمال اول، زکات بر هر نوع در صورتی که مساوی نصاب درهم و دینار باشد واجب می گردد و تمام احکام زکات بر آن مترتب است اما اگر احتمال دوم را اختیار کنیم تنها زکات بر پولی که از جنس طلا و نقره باشد واجب می شود. البته نباید توهم شود که بنابراین دیگر مالیاتی بر سایر پولها نیست و یا احکامی درباره مطلق پول وجود ندارد. زیرا به شکلهای دیگر به مطلق پول نیز مالیات

تعلق می‌گردد و احکامی که دارای موضوع اعم از طلا و نقره باشند
 بر پول نیز جاری است همچون خمس که بعنوان مالیات ادرآمدنهای
 پولی نیز گرفته می‌شود و نیز مثل احکام غش که بر هر نوع پول جاری
 است ●

ادامه دارد



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پذیرش آگهی

نشریه حسابدار آگهی‌های حرفه‌ای رامی‌پذیرد
 برای اطلاعات بیشتر با انجمن حسابداران خبره ایران
 تلفن : ۸۹۲۹۲۶ تماس بگیرید.